

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بشیر یاوری  
۱۶ مارچ ۲۰۲۰



## صلح با طالبان و مسأله زنان

هشتم مارچ روز گرامی داشت از مبارزات آزادیخواهانه زنان با استثمار و نابرابری را در حالی باید گرامی داشت و به مسایل زنان توجه کرد؛ که چند روز پیش امریکا به عنوان بزرگترین قدرت و نماد تمدن بورژوازی -امپریالیستی، با طالبان به عنوان زن ستیزترین و متحجر ترین گروه سیاسی و نظامی توافقنامه ننگین «صلح» را امضا کرد. گروهی که در زمان حاکمیت شان در افغانستان، زنان را سنگسار می کرد. حق کار، آموزش و حضور اجتماعی و فعالیت سیاسی زنان و مردان را گرفته بود. طالبان این رفتارها را در زمان حاکمیت شان و اکنون هر روز در قلمرو شان انجام می دهند.

دفاع از حقوق زنان و از بین بردن طالبان و مبارزه با تروریسم، بهانه یورش به افغانستان و جنگ امریکا و متحدانش در این کشور بود. امضای توافق نامه صلح امریکا با طالبان، خلاف این شعار و تعهدات کاذبی که از آن سخن می گوید، انجام شد.

در توافقنامه امریکا با طالبان، این گروه به عنوان همکار، برای مبارزه با گروههای تروریستی نام برده شده است. درحالی که طالبان خود، یک گروه خطرناک تروریستی است و در زمان حاکمیت خود و در دوده گذشته، میزبان و پرورش دهنده گروه هائی مانند القاعده و داعش در افغانستان، بوده است. طالبان همین حالا نیز (بعد از توافق امریکا) هر روز دست به اعمال شنیع و قتل انسانها می زنند. راهگیری، سربریدن افراد و کشتار جمعی با حملات انتحاری بخشی از شیوه های جنگی آنهاست.

بیست سال پیش، القاعده، شریک قدرت طالبان در افغانستان بود، اسامه بن لادن از اینجا طرح حمله به پنتاگون و برجهای دو قلوی تجارت جهانی را ریخت و آن را عملی کرد، و عامل کشتار هزاران انسان در امریکا شد.

در حالی که ماهیت تروریستی طالبان تغییر ناپذیر و پا برجاست، نگاه و رفتار این گروه با زنان تغییر نکرده است، در قلمرو آنها مانند زمان حاکمیت شان، به دختران و زنان حق آموزش، کار و فعالیت اجتماعی داده نمی شود. اما امریکا، ماهیت طالبان و رفتار تروریستی، متحجرانه و زن ستیزانه این گروه را نادیده گرفت، با سناریویی که به نام صلح در جریان است، می خواهد، این گروه را بار دیگر در افغانستان، به قدرت برساند.

در این سناریو، طالبان از یک گروه جنگی و تروریستی به یک گروه سیاسی تغییر نام می کند، از زیر پوستین اسلام و حکومت اسلامی، از جنایت این گروه، قباحات زدائی خواهد شد.

در سناریویی که به نام صلح در جریان است، طالبان قدرتمندتر از دیروز، با پشتیبانی پاکستان و توافق رسمی امریکا و توافق غیر رسمی چین، روسیه، ایران و هند به عنوان یک طرف، در این سناریو، قرار گرفته است.

توافق روی یک حکومت مطلق مذهبی، تنها وسیله ایست که می تواند این سناریو را به انجام برساند. احتمال این وجود دارد که این سناریو به ایجاد یک حکومت مطلق مذهبی بینجامد که طالبان در آن، قدرت بیشتری داشته باشند و در آن صورت، روند تغییرات اجتماعی را که در دو دهه گذشته شکل گرفته است، سد خواهند کرد. به نام مذهب و دین، محدودیت های شدیدی را در جامعه افغانستان، به ویژه بر زنان، اعمال خواهند کرد.

رویکرد امریکا با طالبان، که این گروه در رفتاری خشونت آمیز و ضد زن مشهور است، به گونه عربیان، حقوق زنان را نقض می کند، این واقعیت را به اثبات می رساند که برای امپریالیسم و نظام بورژوازی، به غیر از منافع و حفظ مناسباتی که می خواهد، هیچ چیزی ارزشمندتر نیست.

رفتار متناقض امریکا در جهان، جنگ و صلح آن با گروه های عقبگرا و ضد انسانی، مانند طالبان، این گفته مارکس که «موقعیت کلی زنان در جامعه معاصر غیر انسانی است» در زمان ما تصدیق می کند.

واقعیت دیگری که از زمان مارکس تاکنون، سوسیالیستها به آن تأکید می کند این است که اگر در یک جامعه ای حقوق زنان نقض می شود و مناسبات زن ستیزانه، وجود دارد، این مسأله به هر شکلی با هر درجه ای که باشد، نشان دهنده ظرفیت آن جامعه است. به عکس اگر در جامعه ای و نظام اجتماعی - سیاسی، میزان آزادی زنان بیشتر است، نشان دهنده سطح آزادی کلی آن جامعه است.

با توجه به این دیدگاه، در جهانی که ما زندگی می کنیم، زنان به شکلهای مختلف و با توجیه های متفاوت، مورد ستم قرار می گیرند. این مسأله، نشان می دهد که در نظام حاکم جهانی، به حقوق و آزادی زنان احترام نمی شود.

از این نظام، انتظار دفاع از حقوق زنان و مبارزه با هنجارها و ارزشهایی که نابرابری جنسیتی را توجیه می کند، واقعینانه نیست. به همین دلیل، امریکا به عنوان نماد تمدن بورژوازی، ستم بر زنان را نادیده می گیرد. به منظور اهداف امپریالیستی خود گروههای تروریستی را پرورش می دهد و از آنها حمایت می کند.

نادیده انگاری امریکا از مسأله زنان در افغانستان، بازتاب این مسأله است که در زمان ما و در تمدن بورژوازی، شرایط برای زنان نه تنها که قابل قبول نیست بل به شدت ضد زن است. باید سازمانهای ملی و بین المللی برای دفاع از حقوق زنان به وجود آید و با شرایط و مناسباتی که حقوق زنان را نقض می کند، مبارزه ای جدی صورت بگیرد.

خوشحیالی است که گفته شود، در نظام بورژوازی، زنان به حقوق انسانی شان می رسند یا این نظام به حقوق زنان ارج می گذارد.

بر این اساس، ما بیشتر از پیش باید خطرهایی را که آزادیهای اجتماعی و زندگی زنان را تهدید می کند، جدی بگیریم.

باید اراده مان را بیشتر از پیش محکم کنیم و با زمینه ها و عواملی که حقوق و آزادی زنان را نقض می کند، مبارزه کنیم؛ زیرا این گفته فوریه که مارکس آن را در «خانواده مقدس» نقل و تأیید می کند: «شرط رهایی زنان، معیار طبیعی آزادی زنان و رهایی عمومی است.» درستترین بیان یک حقیقت است.

مرسل: نشریه اعتراض